

گزارش سواد روایت ا.ج. پورتر ابوت

ترجمه رؤیا پورآذر و نیما م. اشرفی

محمد راغب^۱

ا.ج. پورتر ابوت (H. Porter Abbott) با چهل سال سابقه تدریس، استاد بازنشسته انگلیسی دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا است. برخی از آثار او عبارت‌اند از:

The Fiction of Samuel Beckett
Beckett Writing Beckett: The Author in the Autograph
Diary Fiction: Writing as Action
The Cambridge Introduction to Narrative

آخرین مورد (2nd eds., 2008, 1nd 2002) با تغییر نام به *سواد روایت* (تهران: نشر اطراف، ۱۳۹۷) به دست رؤیا پورآذر و نیما م. اشرفی به فارسی ترجمه و تاکنون (۱۳۹۹) پنج بار منتشر شده است. پیش‌تر آثار مهمی از جمله *شکسپیر و کارناوال: پس از باختین* (رونلد نولز (نشر هرمس: ۱۳۹۱))، *تخیل مکالمه‌ای، جستارهایی دربارهٔ رمان* (میخائیل باختین (نشر نی: ۱۳۸۷)) و ... با ترجمه پورآذر عرضه شده که به دلیل همواری و خوش‌خوانی، پسندیدهٔ عام بوده است. *سواد روایت* هم از نظر کیفیت ترجمه و روانی خوانش ستودنی است و بی‌هیچ دست‌اندازی و به سرعت می‌توان با آن انس گرفت بنابراین ضعف‌هایی که در ترجمه به چشم می‌آید بسیار اندک و قابل اغماض است، اما دربارهٔ اصل کتاب می‌توان مطالبی را یادآوری کرد:

کتاب، بسیار طولانی است و با اطنابی ممل پیش می‌رود. نویسنده علاقه‌مند است مثال‌های ساده را به شکلی طولانی عرضه کند و با توضیح داستان‌های جالب بر جذابیت کتاب بیفزاید. این مسئله اثری خواندنی فراهم می‌آورد، اما آن را تبدیل به کتابی بازاری می‌کند که به جای دقت بر مطالب گفته‌شده و شرح و بسط ایده‌های غامض روایت‌شناسان، پیگیر مثال‌هایی از داستان‌ها و فیلم‌هاست که می‌شد بسیار مختصرتر از این ارائه شوند. در واقع، اصل کتاب بسیار ساده و بی‌هیچ عمقی است که به کار نوآموزان تازه‌کار حوزهٔ روایت می‌آید نه دانشجویان و کسانی که می‌خواهند به شکل جدی به روایت بیندیشند.

در برخی فصل‌ها نویسنده می‌خواهد نشان دهد که به سراغ مطالب تازه‌ای مثل «روایت قاب»، «روایت سینمایی»، «روایت در رسانه‌های مجازی» و ... رفته است اما از حد اشاره و کلی‌گویی بدیهی فراتر نمی‌رود و نکته‌ای تازه بر عموم

^۱ استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی.

چیزهایی که هر کسی می‌داند یا با اندکی استنباط درخواهد یافت، نمیفزاید. درکل، رویکرد او بیشتر روزنامه‌نگارانه و مبتنی بر ایجاد هیجان و تعلیق است و کمتر به کتابی دانشگاهی می‌ماند که مصرحاً به اصل موضوع می‌پردازد و به پرسش‌های خوانندگان پاسخ‌های مکفی می‌دهد. به سادگی، کتاب اثری دانشگاهی نیست زیرا حشویاتی غیرضروری دارد که با زدودن آنها تنها ثلث آن باقی می‌ماند. شاید بتوان گفت از آنجا که کتاب، مقدمه‌ای ساده برای ورود به مبحث روایت است، نکته تازه و بحث پیچیده‌ای ندارد، اما مشکل اینجاست که فاقد دقت نظری لازم و توضیحات ضروری برای بسط موضوعات نیز هست. به‌طور کلی، نویسنده مایل است تا بحث را به زمینه‌های فرعی و کم‌اهمیت روایت بکشاند و از تعمق در حوزه‌های اصلی پرهیز می‌کند اما با این همه، قسمتی که تحت عنوان «منابع و متون تکمیلی» در پایان هر بخش آمده است بسیار مفید و کارآمد است و می‌تواند بخشی از نیازهای خوانندگان را مرتفع سازد.

همان‌طور که گفتیم درباره نقایص ترجمه نمی‌توان مطلب مهمی گفت و جز موارد معدودی در ضبط نام‌های خاص (ژرارد ژنه (ژرار ژنت)، کلود بریمون/ برموند (کلود برمون)، کرموند (کرمود)، فلاندرنیک (فلاندرنیک) و جدا کردن بی- دلیل برخی دیگر از آنها در رسم‌الخط فارسی (مانند بروکروز، پی‌یر، می‌کامر و ...) تنها می‌توان از اختلاف نظر درباره چند اصطلاح یاد کرد:

فرم اثیری دانش عام (quintessential form of customary knowledge) در صفحه ۲۵ که کلمه «اثیری» ترجمه دقیقی نیست.

عصاکش ترمسی (Lazarillo de Tormes) صفحه ۴۲ که لازاریلو نام خاص است.

قصه (story) که در صفحه ۴۰۲ نقض می‌شود: «راوی کسی است که قصه می‌گوید» و به‌طور کلی، باتوجه به معنای عام واژه در زبان فارسی مشکل‌آفرین است.

کانونمندسازی (focalization) که دیگران به «کانونی‌سازی» ترجمه کرده‌اند.

روایت‌پریشی (metalepsis) که حسین صافی برای آن از معادل «مرزشکنی» استفاده کرده است.

قدرت بلاغی (rhetoric) که کلمه نخست آن احتمالاً به اشتباه در واژه‌نامه ذکر شده است.

از معدود مشکلات چاپی کتاب هم می‌توان به فواصل میان کلمات که گاهی کم یا زیاد می‌شود، اشاره کرد. از دیگر مزایای کار پوراژر، توجه به میراث مترجمان پیشین است و تقریباً هر جا که متنی ادبی پیش‌تر به فارسی ترجمه شده، نویسنده خود را ملزم به استفاده از آن کرده است.